د کابل پوهنتون د ټولنیزو علومو علمي-څېړنیزه مجله
مجله علمی-تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل
Journal of Social Sciences
Kabul University
e-ISSN: 3078-557X
P-ISSN: 3078-5561

Negative Social Habits and Customs Impact on Afghanistan's Economic Development: Perspectives of Professors at Emirate Universities

Ahmad Rasool Rasool[1*], Mohammad Natiqi[2]

[1]Department of Philosophy and Sociology, Faculty of Social Sciences, Kabul University, Kabul, Af

[2]Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Kabul University of Education, Kabul, Af

Email: ahsuhaib@yahoo.com

Article History

Recevied:
August 5, 2026

Accepted:
September 12, 2026

Published:
September 22, 2026

Abstract

This applied research was conducted to describe and explain the impact of undesirable social habits and practices on economic development in Afghanistan, using a survey approach based on the perspectives of faculty members at Emirate universities. The theoretical foundations and framework of the study are grounded in the sociology of development and Islamic economics approaches. The main variables examined were laziness, a weak work ethic, time wastage, consumerism, and materialism. The data were analyzed using descriptive statistics, correlation analysis, and stepwise regression. The descriptive findings indicate that the prevalence of undesirable social habits and practices is relatively high, whereas the state of economic development was assessed by the respondents as being at a low level. The correlation results showed that all independent variables had negative and statistically significant relationships with economic development. The regression results further indicated that consumerism, materialism, and time wastage collectively explained approximately 38% of the variance in economic development, with consumerism having the strongest negative effect. The findings confirm that undesirable social habits and practices constitute important impediments to economic development in Afghanistan, and that their reform can play a fundamental role in improving the development process.

Keywords

Economic Development; Undesirable Social Practices; Social Habits; Work Ethic; Consumerism

Rasool, A. R., & Natiqi, M. (2026). Negative Social Habits and Customs Impact on Afghanistan's Economic Development: Perspectives of Professors at Emirate Universities. *Journal of Social Sciences - Kabul University*, *9*(2), 51-78. https://doi.org/10.62810/jss.v9i2.556

د کابل پوهنتون د ټولنیزو علومو علمي-څېړنیزه مجله
مجله علمی-تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل
Journal of Social Sciences
Kabul University
e-ISSN: 3078-557X
P-ISSN: 3078-5561

تأثیر عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی بر توسعه اقتصادی افغانستان: دیدگاه استادان پوهنتون‌های امارتی

پوهاند احمد رسول رسول[1]، پوهنمل محمد ناطقی[2]

[1]دیپارتمنت فلسفه و جامعه شناسی پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان
[2]دیپارتمنت جامعه شناسی پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، کابل، افغانستان
ایمیل: ahsuhaib@yahoo.com

تاریخچه

تاریخ دریافت:
۱۴ اسد ۱۴۰۵

تاریخ پذیریش:
۲۱ سنبله ۱۴۰۵

تاریخ نشر:
۳۱ سنبله ۱۴۰۵

چکیده

این تحقیق از نوع کاربردی بوده و با هدف توصیف و تبیین تأثیر عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی بر توسعه اقتصادی افغانستان، با رویکرد پیمایشی و بر اساس دیدگاه‌های استادان پوهنتون‌های امارتی انجام شده است. مبانی و چارچوب نظری تحقیق بر رویکردهای جامعه‌شناسی توسعه و اقتصاد اسلامی استوار بوده و متغیرهای اصلی شامل تنبلی، ضعف فرهنگ کار، اتلاف وقت، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی درنظر گرفته شده‌اند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری توصیفی، همبستگی و رگرسیون گام‌به‌گام تحلیل شده‌اند. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که سطح بروز عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی در حد نسبتاً بالا قرار دارد، در حالی‌که وضعیت توسعه اقتصادی از دید پاسخ‌دهندگان در سطح پایین ارزیابی شده است. نتایج همبستگی نشان داد که، تمامی متغیرهای مستقل دارای رابطه منفی و معنادار با توسعه اقتصادی هستند. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که، متغیرهای «مصرف‌گرایی»، «تجمل‌گرایی» و «اتلاف وقت» در مجموع حدود ۳۸ درصد از تغییرات توسعه اقتصادی را تبیین می‌کنند و بیشترین نقش منفی مربوط به مصرف‌گرایی است. یافته‌ها تأیید می‌کند که، عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی از جمله عوامل مهم بازدارنده توسعه اقتصادی در افغانستان محسوب می‌شوند و اصلاح آن‌ها می‌تواند نقش اساسی در بهبود روند توسعه داشته باشد.

واژه‌های کلیدی

توسعه اقتصادی؛ رواج‌های ناپسند؛ عادت‌ها؛ فرهنگ کار؛ مصرف‌گرایی

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله ربّ العالمین، والصلاة والسلام علی سیّد المرسلین، وعلی آله وأصحابه أجمعین. أما بعد:

توسعه اقتصادی مفهومی چندبعدی است که علاوه بر شاخص‌های کمی مانند رشد اقتصادی به شاخص‌های کیفی مانند بستر فرهنگی و اجتماعی مساعد، فرهنگ صرفه‌جویی و پس‌انداز و فرهنگ کار نیز وابسته است (مشتاق، ۱۴۰۴). در چارچوب نظریه‌های جامعه‌شناسی توسعه، به‌ویژه دیدگاه‌های فرهنگ‌محور، نقش عادات، ارزش‌ها و رسوم اجتماعی در موفقیت یا شکست برنامه‌های توسعه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است.

افغانستان، با وجود داشتن ظرفیت‌هایی چون منابع طبیعی، نیروی انسانی جوان، موقعیت جغرافیایی مساعد، هنوز با موانع و چالش‌هایی در مسیر پیشرفت و توسعه اقتصادی خویش مواجه است. بخشی از این موانع و چالش‌ها، فرهنگی و اجتماعی‌اند که در قالب عادت‌ها و رسوم ناپسند بازتولید می‌شوند. عادت‌ها و رسوم ناپسند اجتماعی، با الزامات توسعه اقتصادی ناسازگار بوده و می‌توانند بر توسعه اقتصادی جامعه تأثیر منفی بگذارند. عادت‌ها و رواج‌های ناپسند مانند مصارف بی‌جا، تجمل‌گرایی، تنبلی و ضعف فرهنگ کار، موجب هدر رفتن امکانات اقتصادی و کاهش بهره‌وری نیروی انسانی در جامعه می‌شود(رسول، ۱۴۰۵).

با وجود اهمیت این موضوع، در افغانستان نقش عادت‌ها و رسوم اجتماعی به‌عنوان متغیرهای فرهنگی-اجتماعی در روند توسعه اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این‌رو، یک خلأی اساسی تحقیقاتی در افغانستان در این حوزه وجود دارد که نیازمند بررسی و تحقیق می‌باشد. بر این اساس، مسأله اصلی این تحقیق را می‌توان چنین طرح کرد: عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی در افغانستان چگونه و از چه مسیرهایی بر روند توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارند؟ تحقیق حاضر در تلاش است تا با بهره‌گیری از رویکرد جامعه‌شناختی توسعه، ضمن شناسایی مهم‌ترین عادت‌ها و رسوم ناپسند، سازوکارهای تأثیرگذاری آن‌ها بر توسعه اقتصادی جامعه را تبیین نماید.

توسعه اقتصادی و رسیدن به قله‌های پیشرفت و توسعه در ابعاد مختلف جامعه، دغدغه ملت‌ها و جوامع گوناگون بوده است. در ارتباط به اهمیت تحقیق حاضر قابل ذکر است که، پیشرفت و توسعه اقتصادی افغانستان نیازمند مساعد بودن بسترها و زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. زمانی افغانستان می‌تواند مسیر انکشاف و توسعه اقتصادی را بپیماید که موانع متعددی که در این مسیر

وجود دارد، را شناسایی و برطرف نماید. عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی و فرهنگی بخشی از موانع توسعه اقتصادی اند (شریفی نژاد و همکاران، ۱۳۹۸). در موجودیت عادت‌ها و رواج‌های ناپسند، مسیر توسعه و انکشاف اقتصادی افغانستان با معضلات جدی مواجه بوده و عقب‌ماندگی استمرار خواهد یافت. اهمیت تحقیق حاضر در این است که، می‌تواند به درک عمیق‌تر از موانع اجتماعی و فرهنگی توسعه اقتصادی در افغانستان کمک نموده و زمینه را برای طراحی سیاست‌های مؤثر در راستای اصلاح عادت‌ها و الگوهای رفتاری ناپسند مؤثر بر توسعه اقتصادی کشور فراهم سازد. هدف کلی این تحقیق، سنجش میزان تأثیر عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی بر توسعه اقتصادی افغانستان است.

سؤالات این تحقیق قرار ذیل است.

۱. میزان تأثیر عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی بر توسعه اقتصادی افغانستان چگونه است؟
۲. از دیدگاه استادان پوهنتون‌ها تأثیر تنبلی بر توسعه اقتصادی افغانستان چگونه است؟
۳. ادراک استادان پوهنتون‌ها از تأثیر اتلاف وقت بر توسعه اقتصادی افغانستان چگونه است؟
٤. تأثیر مصرف‌گرایی بر توسعه اقتصادی افغانستان از دیدگاه استادان پوهنتون‌ها چگونه است؟
٥. تأثیر هزینه‌های غیرضروری مراسم (عروسی، عزاداری و مهمانی‌ها) بر توسعه اقتصادی افغانستان چگونه است؟

ادراک استادان از تأثیر ضعف فرهنگ پس‌انداز بر توسعه اقتصادی افغانستان چگونه است؟
تأثیر ضعف فرهنگ کار بر توسعه اقتصادی افغانستان چگونه است؟

فرضیه های این تحقیق قرار ذیل است

۱. به‌نظر می‌رسد که، عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی دارای تأثیر منفی و معنادار بر توسعه اقتصادی افغانستان باشند.
۲. به‌نظر می‌رسد که، تنبلی دارای تأثیر منفی و معنادار بر توسعه اقتصادی است.
۳. به‌نظر می‌رسد که، اتلاف وقت دارای تأثیر منفی و معنادار بر توسعه اقتصادی است.
٤. به‌نظر می‌رسد که، مصرف‌گرایی دارای تأثیر منفی و معنادار بر توسعه اقتصادی است.
٥. به‌نظر می‌رسد که، هزینه‌های غیرضروری مراسم دارای تأثیر منفی و معنادار بر توسعه اقتصادی است.

۶. به‌نظر می‌رسد که، ضعف فرهنگ پس‌انداز دارای تأثیر منفی و معنادار بر توسعه اقتصادی است.

۷. به‌نظر می‌رسد که، ضعف فرهنگ کار تأثیر منفی بر توسعه اقتصادی افغانستان دارد.

پیشینه‌ی تحقیق

در ارتباط به پیشینه‌ی تحقیق، سعی گردیده تحقیقاتی که در این عرصه صورت گرفته، شناسایی شوند. تا جایی که برای بنده مقدور بود، در جامعه افغانستان کدام تحقیق مشخص تحت عنوان «تأثیر عادت‌ها و رواج‌های ناپسند بر توسعه اقتصادی کشور» صورت نگرفته است. مطالعات انجام‌شده در افغانستان عمدتاً بر ابعاد و عوامل کلان اقتصادی مانند کمک‌های خارجی، سیاست‌های مالی و بی‌ثباتی سیاسی در روند توسعه اقتصادی تمرکز داشته‌اند. بانک جهانی نیز گزارش‌هایی را در ارتباط به رشد و توسعه افغانستان منتشر نموده که در آن‌ها اشاراتی به موانع مختلف توسعه در کشور صورت گرفته است. چنانچه در یک راپور بانک جهانی آمده است که: هزینه‌های اجتماعی بالا در مراسم‌ها، فشار اقتصادی بر خانوارها ایجاد می‌کند(World Bank, 2020) .

در یک تحقیق انجام شده توسط صدیقی (۲۰۲۵) نشان می‌دهد که، رشد اقتصادی در افغانستان تحت تأثیر عوامل ساختاری مانند سرمایه‌گذاری، کمک‌های خارجی و سیاست‌های دولتی است، اما نهادهای غیررسمی از جمله رسوم اجتماعی می‌توانند این روند را تسهیل یا مختل کنند (Sediqi, 2025).

در تحقیق دیگر انجام‌شده توسط عمرزی و همکاران (۲۰۲۵)، رابطه بین اقتصاد داخلی و توسعه فرهنگی در افغانستان بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که فعالیت‌های اقتصادی می‌توانند موجب تقویت سرمایه فرهنگی شوند، اما تأکید می‌کند که هماهنگی میان سیاست‌های اقتصادی و فرهنگ اجتماعی شرط اساسی توسعه پایدار است. در این تحقیق، بیشتر به صنایع فرهنگی و محلی مانند قالین‌بافی و زردوزی و نقش آن در پیشرفت اقتصادی پرداخته شده است (Omarzai et al., 2025).

در مطالعات مذکور، نقش عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی در روند توسعه اقتصادی افغانستان چندان مورد توجه لازم قرار نگرفته‌اند. از سوی دیگر، مطالعات انجام شده در سطح منطقه و جهان، اگرچه به رابطه فرهنگ و توسعه پرداخته‌اند، اما این موضوع را در شرایط فرهنگی و اجتماعی جوامع خودی به بررسی گرفته و به بررسی این رابطه در بستر خاص جامعه افغانستان تمرکز نشده است. بنابراین، در افغانستان یک خلاء جدی در ادبیات علمی-تحقیقاتی در ارتباط به موضوع «تأثیر عادت‌ها و رواج‌های ناپسند بر توسعه اقتصادی کشور» وجود دارد که نیازمند بررسی و تحقیق می‌باشد. پیشینه

تحقیقاتی موضوع، به‌وضوح بیانگر کمبود تحقیقات علمی در افغانستان پیرامون این مسأله است؛ زیرا تمرکز بیشتر مطالعات، بر عوامل اقتصادی و سیاسی توسعه اقتصادی صورت گرفته و به عوامل فرهنگی و اجتماعی به‌خصوص تأثیر عادت‌ها و رواج‌های ناپسند مؤثر بر روند توسعه اقتصادی چندان پرداخته نشده است. از این‌رو، تحقیق حاضر در مسیر رفع خلاء مذکور انجام شده است.

مبانی و چارچوب نظری تحقیق

توسعه اقتصادی مورد تعاریف و توصیف‌های زیادی قرار گرفته است. توسعه اقتصادی ورای رشد اقتصادی است. می‌توان گفت که توسعه اقتصادی روندی است که در طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود، به‌طوری که حاصل این دگرگونی در درجه اول کاهش نابرابری اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود. برای نیل به چنین نتیجه‌ای باید به استقرار ساختار و نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطبق با شرایط جدید پرداخت (احمدی، ۱۴۰۱، ص ۷۳۲). در تعریف دیگر، توسعه اقتصادی عبارت از رشد اقتصادی همراه با تغییر و تحولات کیفی دانسته شده است. توسعه اقتصادی ابعاد کمی و کیفی تغییر در متغیرهای اقتصادی را نه به‌صورت مکانیکی، بلکه به صورت ارگانیکی در بر می‌گیرد (متوسلی، ۱۳۸۹، ص ۱۲). توسعه‌ی اقتصادی پروسه‌ای است، که طی آن کارایی تولید و عرضه کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه و به تبع آن سطح زندگی و میزان رفاه عمومی افزایش می‌یابد. جرالد مایر می‌گوید: توسعه اقتصادی پروسه‌ای است که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یك کشور در دورانی طویل‌المدت افزایش یابد. مایر معتقد است افزایش درآمد ملی واقعی سرانه به تنهایی شرط کافی برای توسعه نیست، زیرا توسعه اقتصادی باید همراه با افزایش رفاه اقتصادی باشد و افزایش درآمد ملی سرانه تنها یکی از عوامل مهم رفاه اقتصادی است نه همه‌ی آن. افزایش رفاه اقتصادی علاوه بر افزایش درآمد واقعی سرانه، به توزیع مناسب و مطلوب درآمد نیز بستگی دارد (جهرمی، ۱۳۸۸، ص ۲۵ و امینی، ۱۳۵۵). امکان دارد درآمد ملی افزایش یابد ولی توزیع نامناسب آن منجر به تجمع درآمد در دست عده‌ای خاص شود که این به معنای توسعه و افزایش رفاه اقتصادی نیست.

از اهداف مهم توسعه اقتصادی در دین مقدس اسلام، عدالت اقتصادی، استقلال اقتصادی و رفاه عمومی است. استقلال به‌معنای وابستگی به بیگانگان در حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ و سیاست هدف کلی دین اسلام است. در اسلام، توسعه اقتصادی هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است که جامعه را به هدف یعنی عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌رساند. هدف رشد و توسعه و توزیع عادلانه در مکتب

اقتصادی اسلام در نهایت رسیدن به جامعهای است که در آن عدالت اقتصادی برقرار باشد (لشکری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰).

مفتی محمد تقی عثمانی در اهمیت و نقش اقتصاد میگوید: "اقتصاد برای جوامع و کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا ثبات و استقلال جامعه، قدرت مقاومت آن در برابر حوادث طبیعی و اجتماعی، پرهیز از وابستگی سیاسی و نظامی به کشورهای صاحب ثروت و شکوه و عظمت یک جامعه در مقابل جوامع دیگر و ثبات سیاسی آن، بستگی به حل مشکلات و رفع کمبودهای اقتصادی آن جامعه دارد. علاوه بر این، زندگی اجتماعی انسانها بدون اقتصادی شکوفا و توسعهیافته، بسی دشوار است و همواره اقتصاد بیمار زمینه را برای نابودی ارزشهای اخلاقی و حاکمیت فساد و فحشاء و جرم و جنایت بیشتر مهیا میکند. بهجرأت میتوان گفت که، در شرایط کنونی پیمودن مسیر پیشرفت و توسعه و رسیدن به کمال مطلوب برای یک جامعه، بدون فراهم بودن امکانات اقتصادی و رفع نیازهای مادی، تقریباً غیرممکن بهنظر میرسد" (عثمانی، ۱۳۹۴، صص ۷۳-۷۴). از اهداف اساسی توسعه اقتصادی در کشورهایی مانند افغانستان، کاهش فقر، کاهش بیکاری، کاهش نابرابریهای اقتصادی-اجتماعی و توزیع عادلانهی فرصتهای اقتصادی میان مردم جهت گسترش سطح رفاه عمومی میباشد.

چگونگی وضعیت زندگی و نظام اقتصادی-اجتماعی جوامع درحال توسعه به گونهای است که در آن دو دسته از موانع نقش تعیینکننده دارد: ۱. موانع داخلی؛ ۲. موانع خارجی. انواع موانع داخلی پیشرفت و توسعه را میتوان، اقتصادی، سیاسی، فنی، اجتماعی و فرهنگی تلقی نمود. بسیاری از جامعهشناسان توسعه، موانع فرهنگی را اصلیترین موانع توسعهی کشورهای عقبمانده میدانند (لهساییزاده، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰).

موانع و چالشهای گوناگونی مانند کمبود سرمایه، ناکافی بودن عوامل تولید، چالشهای سیاسی، جنگ، ضعف مدیریتی فرا راه توسعه اقتصادی کشورهایی مانند افغانستان وجود داشته، اما در این میان، موانع اجتماعی-فرهنگی نیز بر روند توسعه اقتصادی این کشورها تأثیرگذار بوده است. توسعه اقتصادی تا حد زیادی نهتنها به فراوانی سرمایه بلکه به شرایط و ویژگیهای اجتماعی-فرهنگی جوامع بستگی دارد. بسیاری از نظریهپردازان علوم اجتماعی و اقتصادی بر این عقیدهاند که، توسعه اقتصادی با توسعه در دیگر زمینهها نهتنها بیارتباط نیست، بلکه پیوند تنگاتنگ دارد (هایامی، ۱۳۸٦، ص ۱۷). اصولاً توسعه، بدون زمینههای فرهنگی و اجتماعی آن، قرین به موفقیت نخواهد بود. مفتی محمد تقی عثمانی در این زمینه میگوید: "بررسی فرهنگ و عادات و رسوم و همچنین پیشبینی طرز سلوک و رفتار افراد تحت شرایط خاص اجتماعی، اهمیت قابل توجهی در مطالعات اقتصادی دارد. امروزه عده

زیادی از دانشمندان معتقدند که فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی مهم‌ترین عامل مؤثر در عقب‌ماندگی یا پیشرفت و توسعه اقتصادی جوامع و ملل مختلف به‌شمار می‌رود" (عثمانی، ۱۳۹۴، ص ۷۶).

افغانستان کشوری است که از نظر پیشرفت اقتصادی و فرهنگی به‌دلیل درگیری‌های طولانی‌مدت تاریخی، جنگ‌ها و بی‌ثباتی سیاسی دچار تأخیر شده است. افغانستان با محدودیت‌های متعددی در مسیر رشد اقتصادی روبه‌رو است، از جمله نبود روابط اقتصادی بین‌المللی، کمبود فرصت‌های شغلی و نبود فرصت‌های اقتصادی برای مردم(Omarzai, 2025, pp. 306-307).

در تحقیق حاضر، تأثیر عادت‌ها و رواج‌های ناپسند جامعه بر توسعه اقتصادی افغانستان مورد بررسی قرار گرفته است. در تعریف عادت‌ها و رواج‌های ناپسند می‌توان گفت که، عادت‌ها و رواج‌های ناپسند به نگرش‌ها و الگوهای رفتاری و اجتماعی اطلاق می‌شود که در سطح فردی و جمعی نهادینه شده، اما با مقتضیات توسعه اقتصادی در تعارض بوده و پیامدهای منفی برای پیشرفت و توسعه اقتصادی جامعه دارند. این عادت‌ها و رواج‌های ناپسند معمولاً در بستر تاریخی، فرهنگی و شرایط اجتماعی شکل گرفته‌اند.

تنبلی، اتلاف وقت، ضعف فرهنگ کار و تلاش، ضعف روحیه خوداتکایی، اسراف و مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی، از مهم‌ترین عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی و فرهنگی است که، از پیامدهای اقتصادی آن‌ها می‌توان به بهره‌وری پایین نیروی کار، فقدان درآمد مناسب، کاهش تولید، افت کیفیت خدمات، خود را بار دوش دیگران ساختن، افزایش وابستگی کشور به تولیدات خارجی، تضعیف تولید ملی، اتلاف پول، عدم انباشت سرمایه داخلی و خروج سرمایه از کشور اشاره نمود. بنابراین، عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی و فرهنگی پیامدها و تأثیرات منفی بر روند پیشرفت و توسعه اقتصادی افغانستان دارند.

جامعه‌شناسان معتقدند که، تنبلی و کسالت به عنوان یک عادت ناپسند باعث کاهش بهره‌وری نیروی انسانی می‌شود. کیفیت نیروی انسانی موجب افزایش بهره‌وری و کارایی اقتصادی گردیده و تعلیم و تربیه سبب می‌گردد که، نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی مناسب توسعه اقتصادی ایجاد گردد (موسوی جهرمی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴). بهره‌وری یک نظام اقتصادی که شامل موجودی منابع و انباشت آن است، تحت تأثیر فرهنگ و نهادهای موجود در جامعه قرار دارد (هایامی، ۱۳۸۶، ص‌ص ۳۹-۴۰).

دین مقدس اسلام، مسلمانان را از تنبلی، بیکارگی و ناتوانی نهی نموده است، چنان‌که نبی مکرم اسلام ﷺ از ضعف و ناتوانی و کسالت از خداوند متعال پناه می‌خواهد: ﴿عن انس بن مالک

رضی‌اللهعنه قال: کان رسول‌اللّٰه ﷺ یقول: اَللّٰهُمَّ إِنِّیْ أَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْهَرَمِ...﴾ (النیسابوری، ۱۴۲۶ق، حدیث ۲۷۰۶) . ﴿عن زید بن ارقم رضی‌اللهعنه قال: کان رسول‌اللّٰه ﷺ یقول: اَللّٰهُمَّ إِنِّیْ أَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ...﴾ (النیسابوری، ۱۴۲۶ق، حدیث ۲۷۲۲). ترجمه: «بار الها! به تو پناه می‌جویم از ضعف و ناتوانی، کسالت و تنبلی، بزدلی و بخل...». نبی مکرم اسلام ﷺ به شدت از تنبلی و تن‌پروری بیزاربود و از آن به خدا پناه می‌برد و کسانی که خود را سربار دیگران می‌ساختند، مذمت می‌کرد (کمالی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸). بنابراین، مسلمانان نباید تنبلی و کسالت و ناتوانی را عادت خود سازند، زیرا پیامبر اسلام ﷺ از آن‌ها به خداوند متعال پناه خواسته است. همان‌طور که بیکاری زیان‌بار است، ضعف، سستی و تنبلی نیز نکوهیده و موجب ضرر است و فرد کسل، بی‌حال و کم‌کار در امور دنیا و آخرت خویش عقب افتاده و ضرر می‌بیند.

ارزش وقت، کار و تلاش در دین مقدس اسلام مورد تأکید قرار گرفته است، تا جایی که خداوند در قرآن‌کریم به مقاطع مختلف زمان قسم یاد نموده است که بیانگر اهمیت زمان می‌باشد. در بسیاری از آیات قرآن‌کریم، خداوند متعال به نقش کار و تلاش در زندگی انسان اشاره کرده چنانچه می‌فرماید: ﴿وَأَنْ لَيسَ لِلْإِنْسَانِ إِلاَّ مَا سَعٰى﴾ (نجم: ۳۹). «و این‌که بهره و نتیجه‌ای نیست برای انسان، مگر آنچه سعی و تلاش کرده است». از نظر امام محمد غزالی، توکل و اعتماد به قضا و قدر، از ما، اقدام به کار و عمل را تقاضا دارد نه تنبلی و کسالت را و به این مأمور نیستیم که فرایض و واجبات خود را به‌دلیل توکل به خدا مهمل بگذاریم (افغانی، ۱۳۵۵، ص ۷۳).

یکی از خصوصیات توسعه اقتصادی، خوداتکایی است. دین مقدس اسلام هم مسلمانان را به سمت خوداتکایی دعوت نموده است که منظور از آن تکیه بر توانایی خودی مسلمانان می‌باشد. مسلمانان نباید در تأمین امکانات اقتصادی و رفع نیازهای خویش محتاج دیگران باشند، بلکه خود نیازهای‌شان را مرفوع نموده و از حاصل کار و تلاش دست خود استفاده نمایند. در این زمینه حدیثی از نبی مکرم اسلام ﷺ نقل می‌نماییم که چنین فرموده است: ﴿عَنِ الْمِقْدَامِ رضی‌اللهعنه عَنْ رَسُوْلِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَاماً قَطُّ، خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ، وَ إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلام كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ﴾ (البخاری، ۱۴۲۳ق، حدیث ۲۰۷۲). ترجمه: «از مقدام رضی‌اللهعنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «هرگز کسی طعامی بهتر از حاصل کار دست خویش نخورده است، و همانا داوود نبی خدا همیشه از حاصل کار دست خویش می‌خورد». موضوع این حدیث، تأکید بر کار و تلاش جهت خوداتکایی اقتصادی و عدم وابستگی اقتصادی به دیگران می‌باشد. دین اسلام مسلمانان را به سمت

خوداتکایی و خودکفایی فرا خوانده و از وابستگی به کافران منع نموده است. الله متعال در قرآن‌کریم می‌فرماید: ﴿وَلَن يَّجْعَلَ اللّٰهُ لِلْكَافِرِيْنَ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ سَبِيْلًا﴾ (نساء: ۱۴۱). ترجمه: «و هرگز خداوند راهی برای سلطه‌ی کافران بر مؤمنان قرار نداده است». یکی از ارکان استقلال کشور، استقلال و خودکفایی اقتصادی است. به‌منظور تحکیم پایه‌های توسعه اقتصادی لازم است که کشور در تولید کالاهای اساسی و مصرفی خودکفا گردد. برای تحقق این امر باید موانع توسعه اقتصادی افغانستان شناسایی و برطرف گردد.

بسیاری از جامعه‌شناسان به‌خصوص فرهنگ‌گرایان، به برداشت‌ها و عقاید فرهنگی مناسب توسعه مانند، نگرش خوشبینانه به جهان مادی، کار و سخت‌کوشی، صرفه‌جویی و فرهنگ پس‌انداز، به عنوان پیش شرط‌های لازم برای پیشرفت و توسعه اقتصادی توجه نموده‌اند. به‌نظر اسمگلو، اعتقادات، ارزش‌ها و ترجیحات بر رفتار اقتصادی فرد تأثیر می‌گذارد. فرهنگ از طریق تمایل افراد برای ارزیابی فعالیت‌های مختلف و یا مصرف امروز به‌جای مصرف فردا، نرخ پس‌انداز، تمایل به انباشت سرمایه، بر وضعیت اقتصادی تأثیر می‌گذارد (احمدی، ۱٤۰۱، ص ۷۳۷).

در سال‌های اخیر، موضوعی که مورد بحث فراوان قرار گرفته این است که، در کشورهای کم‌توسعه، مانعی مهم و تردیدناپذیر در راه تشکیل سرمایه بروز کرده و به صورت عاملی درآمده است که از آن به‌نام تظاهر یا نمایش بین‌المللی یاد می‌شود. این نظریه که توسط پروفیسور نُرکس و نویسندگان متأخر اظهار شده است چنین توجیه می‌شود که: بر اثر رشد سریع وسایل ارتباطی، ساکنان کشورهای کم‌توسعه و فقیر با اطلاع از وفور مصرف در کشورهای توسعه‌یافته و ثروتمند مانند امریکا همین که در درآمدشان افزایش حاصل شود، شوق برخورداری از چنین شیوه زندگی، آنان را به مصارف اضافی می‌کشاند و این موجی می‌شود که سهم ناچیزی از اضافه درآمدشان به پس‌انداز اختصاص یابد یا حتی در برخی موارد همه درآمدشان را مصرف می‌نمایند. در نتیجه امکانات پس‌انداز و تشکیل سرمایه دچار اختلال می‌شود (مایر، ۱۳۸۲، ص ۴۳).

به‌باور دانشمندان، در کشورهای کمتر توسعه‌یافته توان پس‌انداز کم است و هر آنچه تولید می‌شود به مصرف می‌رسد. سطح سرمایه‌گذاری پایین است. این کشورها به‌منظور دستیابی به رشد و توسعه باید از مصرف فعلی خود تا حدودی صرف‌نظر کنند تا بتوانند زمینه‌های انباشت سرمایه و امکان تولید بیشتر در آینده را فراهم سازند (موسوی جهرمی، ۱۳۸۸، ص ۴۰). رسوم و عنعناتی در نظام اجتماعی و فرهنگی اکثریت جوامع درحال توسعه از جمله افغانستان وجود دارند، که هزینه‌بر هستند و امکانات

اقتصادی زیادی را به‌خود اختصاص داده است. این امر عامل استمرار فقر و مانع پس‌انداز و انباشت سرمایه می‌شود.

دین مقدس اسلام، اسراف و مصارف بی‌جا را نهی نموده است. الله متعال در قرآن‌کریم اسراف و تبذیر را منع نموده و فرموده است: ﴿وكُلُواْ وَاشْرَبُواْ وَلاَ تُسْرِفُواْ ۚ إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (اعراف: ۳۱). ترجمه: «و بخورید و بنوشید و اسراف نکنید، الله متعال دوست ندارد اسراف کنندگان را». ﴿وَلاَ تُبَذِّرْ تَبْذِيراً * إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُواْ إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ ۖ وكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُوراً﴾ (اسراء: ۲۶-۲۷). ترجمه: «و اسراف نکن بیجا. بدون شک اسراف کنندگان، برادران شیاطین هستند و شیطان نسبت به پروردگارش، ناسپاس است». الله متعال در این آیه دستور می‌دهد که مال را بیهوده، صرف نکنید، زیرا صرف‌کنندگان مال، بی‌جا، برادران شیطان اند و شیطان بزرگ‌ترین ناسپاس پروردگار است. در آیه فوق، ممانعت از تبذیر یعنی زیاده‌روی در مصرف مال مطرح شده است. معنی زیاده‌روی را قرآن‌کریم با دو لفظ تعبیر نموده است: یکی تبذیر و دیگری اسراف. بعضی از مفسرین فرموده‌اند، هر دو لفظ هم معنی هستند که صرف نمودن مال را در معصیت یا بی‌موقع و محل، اسراف و تبذیر می‌گویند. بعضی دیگر تفصیل نموده‌اند که صرف بی‌جا یا صرف در گناه را تبذیر می‌گویند؛ لذا تبذیر نسبت به اسراف شدیدتر است. امام قرطبی فرموده است: صرف یک درهم در کارهای حرام و ناجایز تبذیر است، و صرف در امور جایز و مباح بیش از حد که در آینده خطر فقر و احتیاج احساس شود، این هم در تبذیر داخل است (عثمانی، ۱۳۸۷، ص‌ص ۲۰۵-۲۰۷). بنابراین، اسراف و تبذیر در چارچوب اقتصاد اسلامی، از مهم‌ترین موانع توسعه اقتصادی و انباشت سرمایه محسوب می‌شوند.

همچنان در حدیثی از نبی مکرم اسلام ﷺ ضایع نمودن مال مورد نهی قرار گرفته است: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ ثَلَاثًا: قِيلَ وَقَالَ، وَإِضَاعَةَ الْمَالِ، وكَثْرَةَ السُّؤَالِ(البخاری، ۱٤۲۳ق، حدیث ۱٤۷۷). ترجمه: رسول الله ﷺ فرمودند: «همانا خداوند برای شما سه چیز را ناپسند داشته است: گفت‌وگوی بیهوده (قال و قیل)، و ضایع کردن مال، و پرسش‌های بیش از حد». در حدیث مذکور، ضایع نمودن مال دلالت بر مصرف‌گرایی، اسراف و استفاده غیرمولد دارد که در چارچوب اقتصاد اسلامی به عنوان یک مانع توسعه اقتصادی تلقی می‌شود.

در دیدگاه فرهنگ و توسعه، فرهنگ به‌عنوان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، عادت‌ها، رسوم و عنعنات، رفتارهای اقتصادی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رفتارهای اقتصادی افراد در یک جامعه، شکل دهنده وضعیت اقتصادی آن جامعه است. تا زمانی‌که پذیرش اجتماعی برای تغییرات مطلوب و توسعه در یک جامعه به‌وجود نیامده باشد، برنامه‌های توسعه قطعاً با شکست مواجه خواهد شد. از

سوی دیگر، فرهنگ جامعه، نقش حامی و هدایت کننده توسعه را در مراحل بعدی، به عهده خواهد داشت. بسیاری از الگوهای رفتاری و عادات انسان، با تعلیم و تربیه قابل هدایت و تغییر هستند. با انجام چنین تغییراتی، امکان دگرگونی عادات و رسوم اجتماعی ناپسند مهیا می‌شود و بدین‌سان راه پیشرفت و توسعه باز می‌گردد. اگر رسوم و عادات ناپسند به جای خود باقی باشند، فراهم‌سازی زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی توسعه، با مشکلات مواجه می‌شود و در بلند مدت تحول جامعه ممکن نخواهد بود (کاشانی، ۱۳۷٦، ص‌ص ۱٤۰-۱٤۱).

در جامعه افغانستان، رسم و رواج‌های ناپسندی وجود دارد که نیاز شدید به تغییر و اصلاح آن‌ها احساس می‌شود. از جملهٔ این رسم و رواج‌های ناپسند به‌طور مثال می‌توان به گرفتن طویانه (ولور) و یا مهریه و مصارف کمرشکن در مراسم عروسی‌ها، تهیهٔ جهیزیه سنگین، خریداری لباس‌های قیمتی و طلا و برگزاری مراسم در هوتل‌ها، مراسم پرمصرف بازگشت حاجیان از حج، اسراف و مصارف بی‌جا، تقلید از فرهنگ‌های ناپسند بیگانه و غیره اشاره نمود. رسم و رواج‌های ناپسند و مصارف گزاف، پیامدهای منفی را برای خانواده‌ها و جامعه به‌همراه دارد. "تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی بیش از حد و نبود یک برنامه‌ریزی استراتژیک جامع برای رشد و توسعه، از دیگر عواملی هستند که کشور را به سوی کسری بودجه و فشارهای اقتصادی سوق می‌دهند" (صدیقی، ۲۰۲۵، ص.۴۳)

خوشبختانه امیرالمؤمنین حفظه‌اللهوتعالی‌ورعاه طی فرمان شماره ۱۷ مورخ ۱٦/ ۹/ ۱٤٤٦ه ق از رسوم و عنعنات غیر اسلامی و مصارف گزاف در عروسی‌ها و مرده‌داری و بازگشت از مراسم حج و عمره منع نموده است که به برخی از موارد فرمان مذکور در ذیل اشاره می‌شود:

"نکات قابل رعایت در مراسم مُرده‌داری: - ترتیب مهمانی به مردم از طرف خانوادهٔ متوفی به مناسبت مرده‌داری، مکروه است؛ زیرا مهمانی در خوشی ها می‌باشد، نه در غم‌ها، این بسیار بدعت ناپسند است... -آماده کردن غذا به مردم جمع شده از طرف خانوادهٔ متوفی به مناسبت مرده داری گناه است؛ جریر بن عبد الله رضی الله عنه می‌فرماید: جمع شدن خویشاوندان در خانهٔ متوفی و ترتیب دادن غذا از طرف آنها را ما نیاحت می‌پنداشتیم؛ یعنی ماتم (چیغ و فریاد) را که ممنوع و بد می‌شمردیم، این را نیز بد می‌شمردیم (حال آنکه نیاحت و ماتم گناه کبیره است). در بعضی مناطق، مردم از روی رواج جهت تعزیت، در عید اول متوفی به خانهٔ متوفی می روند، این نیز رواج نادرست و منع است" (فرمان شماره ۱۷ امیرالمؤمنین حفظه اللهتعالی‌ورعاه، ماده دوم).

"اجتناب از برخی مصارف غیرضروری و رواج های نادرست هنگام بازگشت از حج و عمره: ترتیب مهمانی و خیرات بزرگ به مردم محل و مهمانان آمده و دعوت‌شده هنگام بازگشت از

حج و عمره در بعضی مناطق به مناسبت مبارکی و خوش آمدید و همچنان اعطای تحفه‌های قیمتی به مردم، رواج ضروری گردیده است که از یک طرف حیثیت شرعی ندارد و از طرف دیگر به علت مصرف گزاف سبب محرومیت و یا تأخیر بسیاری از مردم از حج و عمره گردیده است، از همین رو، باید تمام حجاج و معتمرین از مصارف مذکور و رواج‌های زیان‌بار اجتناب نمایند" (فرمان شماره ۱۷ امیرالمؤمنین حفظه‌الله‌وتعالی‌ورعاه، ماده سوم).

مردم در اکثر مناطق افغانستان در مورد چگونگی مصارف و هزینه ازدواج بیشتر پابند رسم و رواج‌های حاکم در این جامعه هستند تا هنجارهای دینی. در بیشتر موارد موجودیت این گونه رسوم و عنعنات ناپسند مردم کم درآمد را بسیار متضرر می‌سازد. تهیه جهیزیه، مصارف دورهٔ نامزدی، درخواست طویانهٔ و مهریه گزاف و مصارف غیرضروری دیگر، مهمترین مسائلی‌اند که جامعه افغانستان در عرصهٔ ازدواج با آن مواجه است. با توجه به این‌که افغانستان یک کشور اسلامی است، مصارف زیاد از دیدگاه اسلام کار حتمی نبوده، بلکه مربوط به وضع اقتصاد هر فامیل می‌باشد، اما رسوم و عنعنات مردم تقاضای دیگر دارد. فرمان شماره ۱۷ مورخ ۱۶/ ۹/ ۱٤٤۷امیرالمؤمنین حفظه‌الله در این مورد چنین دستور می‌دهد: *زیادت در مهرها کار شایسته نیست: شریعت، در عروسی‌ها به آسانی و اجتناب از مصارف گزاف ترغیب می‌کند. از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:«إِنَّ أَعْظَمَ النِّكَاحِ بَرَكَةً أَيْسَرَهُ مَؤُونَةً». ترجمه: «به تحقیق، با برکت‌ترین نکاح آن است که هزینه‌اش کم باشد».*

تحقیق حاضر در پی تبیین رابطه میان عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی به‌عنوان متغیرهای مستقل و توسعه اقتصادی افغانستان به‌عنوان متغیر وابسته است. با توجه به ماهیت چندبعدی موضوع، چارچوب نظری این تحقیق بر اساس رویکردی تلفیقی از نظریات جامعه‌شناسی توسعه، اقتصاد فرهنگی و دیدگاه‌های اقتصاد اسلامی تنظیم شده است.

بر مبنای دیدگاه‌های جامعه‌شناسی، به‌ویژه نظریه‌های فرهنگی توسعه، ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری جامعه، نقش اساسی در شکل‌دهی رفتارهای اقتصادی افراد دارند. در این راستا، تأکید بر اخلاق کار، سخت‌کوشی، صرفه‌جویی و عقلانیت اقتصادی به‌عنوان پیش‌شرط‌های توسعه مطرح شده است. در مقابل، ضعف این مؤلفه‌ها در قالب عادت‌هایی چون تنبلی، اتلاف وقت و ضعف فرهنگ کار، منجر به کاهش بهره‌وری، افت تولید و کندی رشد اقتصادی می‌گردد (مشتاق، ۱٤۰٤).

همچنان، بر اساس نظریه «مصرف نمایشی»، گرایش به مصرف‌گرایی و تقلید از الگوهای مصرفی جوامع توسعه‌یافته، موجب افزایش مصرف غیرمولد، کاهش پس‌انداز و اختلال در پروسه انباشت

سرمایه می‌شود. علاوه بر آن، رواج هزینه‌های غیرضروری در مراسم اجتماعی و ضعف فرهنگ پس‌انداز، منابع مالی را از مسیر سرمایه‌گذاری و تولید منحرف ساخته و زمینه استمرار فقر و وابستگی اقتصادی را فراهم می‌سازد. در اقتصاد اسلامی نیز، مفاهیمی چون عدالت اقتصادی، خوداتکایی، کار و تلاش، و پرهیز از اسراف به‌عنوان اصول بنیادین توسعه اقتصادی مطرح‌اند. از این منظر، رواج عادت‌ها و رسوم ناپسند، با این اصول در تعارض بوده و موجب تضعیف استقلال اقتصادی و کاهش رفاه عمومی می‌گردد (نیازی و مرتضوی، ۱۳۹٤).

بر اساس این مبانی نظری، متغیرهای مستقل تحقیق در شش بعد شامل تنبلی، اتلاف وقت، مصرف‌گرایی، هزینه‌های غیرضروری مراسم، ضعف فرهنگ پس‌انداز و ضعف فرهنگ کار در نظر گرفته شده‌اند که هر یک از طریق تأثیرگذاری بر بهره‌وری، انباشت سرمایه، تولید و رفتارهای اقتصادی عقلانی، بر توسعه اقتصادی اثرگذارند. به‌طور کلی چارچوب نظری تحقیق بر این فرض استوار است که، عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی از طریق تضعیف رفتارهای اقتصادی مطلوب و ایجاد اختلال در پروسه‌های تولید، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، تأثیر منفی و معناداری بر توسعه اقتصادی افغانستان دارند. این چارچوب، مبنای تحلیل تجربی و آزمون فرضیه‌های تحقیق را فراهم می‌سازد.

مدل مفهومی تحقیق

در این مدل، «عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی» به‌عنوان متغیر مستقل کلی در نظر گرفته شده که در قالب شش بُعد اصلی عملیاتی گردیده است و «توسعه اقتصادی افغانستان» به‌عنوان متغیر وابسته مطرح می‌باشد. رابطه میان این متغیرها به‌صورت مستقیم و منفی فرض شده است.

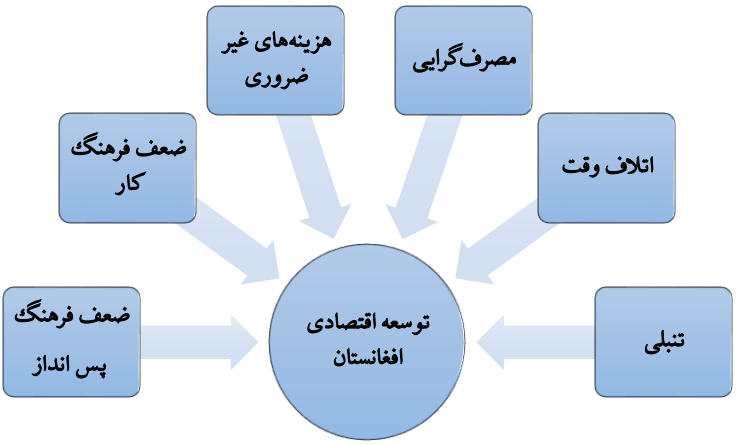

این مدل، مبنای تحلیل آماری تحقیق (همبستگی و رگرسیون) قرار گرفته و روابط میان متغیرها را به‌صورت تجربی مورد آزمون قرار می‌دهد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر در نوع خود یک تحقیق کاربردی است که از لحاظ هدف، توصیفی-تبیینی بوده و به بررسی و تبیین تأثیر عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی بر توسعه اقتصادی افغانستان از دیدگاه استادان پوهنتون‌ها می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای کشور مورد استفاده قرار گیرد. از نظر ماهیت داده‌ها، تحقیق کمی، از حیث روش گردآوری اطلاعات پیمایشی، از لحاظ زمان اجرا مقطعی و از نظر واحد تحلیل، افراد (استادان پوهنتون‌های امارتی افغانستان) می‌باشد.

جامعه آماری تحقیق شامل تمامی استادان شاغل در رشته‌های علوم اجتماعی پوهنتون‌های امارتی افغانستان در سال ۱۴۰۵ه ش است. این قشر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های علمی و مرجع فکری جامعه، نقش مؤثری در تحلیل و تبیین مسائل اجتماعی و اقتصادی دارند؛ ازاین‌رو، دیدگاه‌های آنان می‌تواند درک عمیق‌تری از تأثیر عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی بر روند توسعه اقتصادی افغانستان فراهم سازد.

با توجه به گستردگی جامعه آماری و پراکندگی جغرافیایی استادان، دسترسی به تمامی اعضای جامعه امکان‌پذیر نبوده است؛ بنابراین، نمونه‌گیری انجام شده است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده گردیده است. بدین‌صورت که در مرحله نخست، پوهنتون‌ها به‌عنوان خوشه‌های اصلی در نظر گرفته شدند و سپس تعدادی از این خوشه‌ها با در نظر گرفتن پراکندگی جغرافیایی و تنوع علمی انتخاب گردیدند. در مرحله بعد، از میان استادان هر پوهنتون منتخب، نمونه‌ها به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. این شیوه‌ی نمونه‌گیری امکان دستیابی به نمونه‌ی نسبتاً نماینده از جامعه آماری را فراهم ساخته است.

برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شده است. بدین منظور، در یک مطالعه مقدماتی، تعداد ۳۰ پرسشنامه به‌صورت آزمایشی توزیع گردید. بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده، مقدار واریانس برابر با ۰,۳٦ و میزان خطای نمونه‌گیری ۰,۱ در نظر گرفته شد. در نتیجه، حجم نمونه نهایی تحقیق به‌صورت زیر محاسبه گردید:

$s^2 = 0.36$.

$d = 0.1$

$$n=\frac{1.96^2.s^2}{d^2}\ n=\frac{1,96^2.0.36}{0.1^2},\ n=\frac{3,84.\ 0,36}{0.01}=138$$

با توجه به احتمال ریزش نمونه‌ها و افزایش دقت آماری تحقیق، حجم نمونه نهایی به ۱۴۲ نفر افزایش داده شد تا اعتبار و پایایی نتایج تحقیق تقویت گردد.

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته می‌باشد که بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای تنظیم شده و از طریق گوگل فورم در اختیار استادان پوهنتون‌های امارتی کشور قرار داده شد. این پرسشنامه شامل گویه‌هایی برای سنجش متغیر وابسته (توسعه اقتصادی) و متغیرهای مستقل شامل تنبلی، اتلاف وقت، مصرف‌گرایی، هزینه‌های غیرضروری مراسم، ضعف فرهنگ پس‌انداز و ضعف فرهنگ کار است.

به‌منظور سنجش روایی ابزار تحقیق، از روایی صوری و محتوایی استفاده شده است؛ بدین‌صورت که پرسشنامه در اختیار تعدادی از استادان متخصص در حوزه‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد و روش تحقیق قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات لازم، تأیید گردید. همچنین، برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرانباخ استفاده شد که نتایج نشان داد مقدار آلفا برای تمامی مقیاس‌ها بالاتر از ۰,۷۰ بوده و ابزار تحقیق از پایایی قابل قبول برخوردار است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است. در سطح توصیفی، از شاخص‌هایی چون میانگین، انحراف معیار و توزیع فراوانی برای توصیف متغیرها استفاده شده است. در سطح استنباطی، برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه جهت بررسی و تبیین روابط میان متغیرها استفاده گردیده است.

یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق در سه سطح مورد بررسی قرار گرفته است: نخست، توصیف شاخص‌های آماری متغیرهای اصلی تحقیق؛ دوم، تحلیل روابط میان متغیرها از طریق آزمون همبستگی؛ و سوم، تبیین میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با استفاده از تحلیل رگرسیون.

توصیف متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی: نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که میانگین تمامی متغیرها بالاتر از حد متوسط (۳) قرار دارد که بیانگر شیوع نسبتاً بالای عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی در جامعه مورد مطالعه است. در این میان، «مصرف‌گرایی» (٤,۲۳) و «تجمل‌گرایی» (٤,۱۳) بالاترین میانگین‌ها را به خود اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده برجستگی این الگوهای رفتاری در بین پاسخ‌دهندگان است.

از نظر پراکندگی، مقادیر انحراف معیار نسبتاً پایین (حدود ۰,۵۷ تا ۰,۷۳) حاکی از همگونی نسبی پاسخ‌ها می‌باشد. همچنین، مقادیر کجی منفی در تمامی متغیرها نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها به سمت مقادیر بالا متمایل است. کشیدگی متغیرها نیز عمدتاً در محدوده قابل قبول قرار دارد، هرچند «مصرف‌گرایی» دارای کشیدگی نسبتاً بالا (۲,۶۲) است که بیانگر تمرکز بیشتر داده‌ها حول میانگین می‌باشد.

جدول۱: *توصیف متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه*

متغیر	تعداد(N)	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
تنبلی	142	3.77	0.73	-0.78	1.05
ضعف فرهنگ کار	141	3.63	0.72	-0.12	-0.12
اتلاف وقت	141	3.82	0.65	-0.40	0.52
مصرف‌گرایی	140	4.23	0.57	-1.21	2.62
تجمل‌گرایی	139	4.13	0.64	-0.57	-0.06

شاخص‌های آمار توصیفی متغیر وابسته (توسعه اقتصادی)

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که میانگین متغیر توسعه اقتصادی (۲,۱۶) است پایین‌تر از حد متوسط نظری (۳) در طیف لیکرت که دامنه آن از ۱ تا ۵ طراحی شده، قرار دارد که بیانگر ارزیابی نسبتاً پایین پاسخ‌دهندگان از وضعیت توسعه اقتصادی است. دامنه تغییرات (۱ تا ٤,۵۷) نشان‌دهنده پراکندگی قابل توجه دیدگاه‌ها در این زمینه می‌باشد. انحراف معیار (۰,۵۹) حاکی از پراکندگی متوسط داده‌ها است. همچنین، مقدار کجی مثبت (۰,۷۷) نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها به سمت مقادیر پایین متمایل است؛ به این معنا که فراوانی ارزیابی‌های پایین از توسعه اقتصادی بیشتر است. کشیدگی (۱,۷۲) نیز بیانگر تمرکز نسبی داده‌ها حول میانگین می‌باشد.

جدول۲: *شاخص‌های آمار توصیفی متغیر وابسته (توسعه اقتصادی)*

متغیر	تعداد(N)	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیده‌گی
توسعه اقتصادی	140	1.00	4.57	2.16	0.59	0.77	1.72

نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که، میان متغیر وابسته (توسعه اقتصادی) و تمامی ابعاد عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی، رابطه منفی و از نظر آماری معنادار در سطح ۰,۰۱ برقرار است. این یافته به‌صورت کلی مؤید فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر تأثیر منفی این عادت‌ها بر توسعه

اقتصادی افغانستان می‌باشد. به‌طور مشخص، متغیر «مصرف‌گرایی» با ضریب همبستگی- = r) (0.559 قوی‌ترین رابطه منفی را با توسعه اقتصادی نشان می‌دهد. پس از آن، «تجمل‌گرایی /هزینه‌های غیرضروری مراسم» (r = -0.504) و «اتلاف وقت» (r = -0.420) در مراتب بعدی قرار دارند که بیانگر تأثیر نسبتاً قوی این عوامل در تضعیف توسعه اقتصادی است. همچنین «تنبلی» (r = -0.366) و «ضعف فرهنگ کار» (r = -0.305) دارای رابطه منفی با شدت متوسط هستند. هرچند «ضعف فرهنگ پس‌انداز» در داده‌ها با متغیر مرتبط مانند «اتلاف وقت» نیز رابطه منفی و معنادار- = r) (0.420نشان می‌دهد، اما شدت آن در مقایسه با مصرف‌گرایی کمتر است. بنابراین؛ تمامی فرضیه‌ها تأیید می‌شوند؛ بدین معنا که هر یک از متغیرهای مورد بررسی دارای تأثیر منفی و معنادار بر توسعه اقتصادی هستند. این نتایج بیانگر آن است که، تقویت الگوهای رفتاری نامطلوب در سطح اجتماعی، می‌تواند از طریق کاهش بهره‌وری، افزایش هزینه‌های غیرمولد، و تضعیف فرهنگ تولید و پس‌انداز، روند توسعه اقتصادی کشور را با اختلال مواجه سازد.

یافته‌های همبستگی نه‌تنها وجود رابطه معنادار را تأیید می‌کند، بلکه از نظر شدت اثر نیز نشان می‌دهد که، متغیرهای مرتبط با الگوهای مصرف و سبک زندگی (مانند مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی) نقش برجسته‌تری در تبیین تغییرات توسعه اقتصادی نسبت به سایر عوامل دارند. البته باید توجه داشت که تحلیل همبستگی صرفاً بیانگر رابطه است و دلالت بر علیت قطعی ندارد؛ از این‌رو، تفسیر نتایج باید در چارچوب محدودیت‌های روش‌شناختی این آزمون صورت گیرد.

جدول ۳: *نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته*

شماره	متغیر	همبستگی(r)	تعداد(N)	سطح معناداری(Sig)
1	تنبلی	-0.366**	140	0.000
2	ضعف فرهنگ کار	-0.305**	140	0.000
3	اتلاف وقت	-0.420**	140	0.000
4	مصرف‌گرایی	-0.559**	140	0.000
5	تجمل‌گرایی	-0.504**	139	0.000

نتایج تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به روش گام به گام در معادله رگرسیون

در این تحقیق برای سنجش تأثیر همزمان عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی (مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، اتلاف وقت، تنبلی و ضعف فرهنگ کار) بر متغیر وابسته (توسعه اقتصادی افغانستان)، از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شده است.

مقایسه گام‌به‌گام نتایج جدول (٤) نشان می‌دهد که عملیات رگرسیون در سه مرحله انجام شده است. در مرحله اول، متغیر «مصرف‌گرایی» وارد مدل شده و ضریب همبستگی چندگانه برابر با ($R = 0.554$) و ضریب تعیین ($R^2 = 0.307$) به‌دست آمده است؛ بدین معنا که این متغیر به‌تنهایی توانسته است ۳۰,۷ درصد از تغییرات توسعه اقتصادی را تبیین نماید. در مرحله دوم، با ورود متغیر «تجمل‌گرایی»، مقدار ضریب همبستگی به ($R = 0.592$) و ضریب تعیین به ($R^2 = 0.351$) افزایش یافته است که نشان‌دهنده بهبود قدرت تبیینی مدل است. در مرحله سوم، متغیر «اتلاف وقت» نیز وارد مدل شده و مقدار ضریب همبستگی به ($R = 0.623$) و ضریب تعیین به ($R^2 = 0.388$) رسیده است. این بدان معناست که در مجموع، سه متغیر مذکور توانسته‌اند ۳۸,۸ درصد از تغییرات توسعه اقتصادی را تبیین نمایند. همچنین، روند کاهش خطای استاندارد برآورد از (۰,٤۹۲٦۰) در مرحله اول به (۰,٤٦٦۳۱) در مرحله سوم، بیانگر بهبود دقت پیش‌بینی مدل در مراحل نهایی است.

بررسی متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که، از میان متغیرهای مورد مطالعه، سه متغیر «مصرف‌گرایی»، «تجمل‌گرایی» و «اتلاف وقت» نقش تعیین‌کننده و معناداری در تبیین متغیر وابسته دارند و سایر متغیرها (تنبلی و ضعف فرهنگ کار) علی‌رغم داشتن همبستگی، در حضور سایر متغیرها وارد مدل نهایی نشده‌اند.

جدول ۴: *نتایج تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به روش گام به گام در معادله رگرسیون*

مدل	متغیرهای واردشده	R	R^2	R^2تعدیل‌شده	خطای استاندارد برآورد
1	مصرف‌گرایی	0.554	0.307	0.302	0.49260
2	مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی	0.592	0.351	0.341	0.47836
3	مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، in3	0.623	0.388	0.374	0.46631

نتایج مندرج در جدول (۵) شدت و جهت تأثیر متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، هر سه متغیر واردشده در مدل نهایی دارای ضرایب منفی و معنادار هستند؛ به‌طوری‌که «مصرف‌گرایی» با ضریب استاندارد ($\beta = -0.307$) بیشترین تأثیر منفی را بر توسعه اقتصادی دارد، و پس از آن «تجمل‌گرایی» ($\beta = -0.258$) و «اتلاف وقت» ($\beta = -0.212$) قرار می‌گیرند. معناداری تمامی ضرایب در سطح کمتر از ۰,۰۱، اعتبار آماری نتایج را تأیید می‌کند.

معادله رگرسیون بر اساس ضرایب غیراستاندارد به‌صورت زیر قابل بیان است:

توسعه اقتصادی = ۵,۱۸۲ – ۰,۳۱٦(مصرف‌گرایی) – ۰,۲۳٤(تجمل‌گرایی) – ۰,۱۸۹(اتلاف وقت)

همچنین، معادله استانداردشده (برحسب ضرایب بتا) به شکل زیر قابل ارائه است:

$Y = -0.307$(مصرف‌گرایی) – ۰,۲۵۸(تجمل‌گرایی) – ۰,۲۱۲(اتلاف وقت)

در این معادله، مقدار ثابت در حالت استاندارد برابر با صفر در نظر گرفته می‌شود. ضرایب استانداردشده این امکان را فراهم می‌سازد تا شدت تأثیر نسبی متغیرهای مستقل با یکدیگر مقایسه شود؛ که بر این اساس، مصرف‌گرایی مهم‌ترین عامل بازدارنده توسعه اقتصادی در مدل حاضر محسوب می‌شود.

جدول ۵: *شدت و جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته*

متغیر	B (غیراستاندارد)	Beta (استاندارد)	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	5.182	—	15.661	0.000
مصرف‌گرایی	-0.316	-0.307	-3.404	0.001
تجمل‌گرایی	-0.234	-0.258	-3.037	0.003
اتلاف وقت	-0.189	-0.212	-2.850	0.005

مناقشه

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رابطه میان عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی و توسعه اقتصادی را نمی‌توان صرفاً به وجود یا عدم وجود برخی رفتارهای فردی تقلیل داد؛ بلکه این رفتارها هنگامی که در قالب هنجارهای اجتماعی تثبیت می‌شوند، می‌توانند بر نحوه استفاده از منابع، تعریف منزلت اجتماعی، الگوی مصرف و حتی تلقی افراد از کار و زمان اثر بگذارند. بدین لحاظ، اهمیت یافته حاضر در آن است که فرهنگ اقتصادی را نه یک عامل حاشیه‌ی، بلکه بخشی از محیط اجتماعی تصمیم‌گیری اقتصادی در افغانستان در نظر می‌گیرد. صدیقی (۲۰۲۵) نیز در بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی افغانستان، در کنار سرمایه‌گذاری، کمک‌های خارجی و سیاست‌های دولتی، به نقش نهادهای غیررسمی و رسوم اجتماعی توجه کرده است. عمرزی و همکاران (۲۰۲۵) نیز بر ضرورت هماهنگی سیاست‌های اقتصادی با زمینه فرهنگی و اجتماعی تأکید کرده‌اند. با وجود این همسویی، تحقیق حاضر یک گام تحلیلی فراتر می‌گذارد؛ زیرا نشان می‌دهد برخی الگوهای رفتاری مشخص، نه فقط در سطح توصیف فرهنگی، بلکه در ارتباط آماری با توسعه اقتصادی قابل مشاهده‌اند. بنابراین، مسأله اصلی را باید در ارتباط میان فرهنگ، انتخاب‌های اقتصادی و ساختار فرصت‌ها جست‌وجو کرد، نه در نسبت دادن عقب‌ماندگی اقتصادی به «فرهنگ» به‌صورت کلی. قوی‌ترین الگوی مشاهده‌شده مربوط به مصرف‌گرایی است. برجستگی این متغیر را می‌توان از این واقعیت توضیح داد که مصرف،

برخلاف برخی رفتارهای فرهنگی که آثار اقتصادی آنها غیرمستقیم و بلندمدت است، مستقیماً با تخصیص درآمد خانوار و منابع اقتصادی ارتباط دارد. هنگامی که مصرف از تأمین نیازهای واقعی فراتر رفته و به ابزاری برای کسب منزلت، تمایز اجتماعی یا همسانشدن با الگوهای مصرفی دیگران تبدیل شود، بخشی از درآمدی که میتوانست به پسانداز، آموزش، سرمایهگذاری یا فعالیتهای مولد اختصاص یابد، به مصرف جاری منتقل میشود. از منظر جامعهشناختی، در چنین شرایطی مصرف صرفاً یک انتخاب اقتصادی نیست، بلکه میتواند به یک رفتار منزلتی تبدیل شود (نیازی و مرتضوی، ۱۳۹٤). همین نکته میتواند توضیح دهد که چرا مصرفگرایی در این تحقیق، علاوه بر همبستگی منفی، در مدل رگرسیونی نیز قدرت تبیینی بیشتری داشته است.

اهمیت تحقیق حاضر زمانی بیشتر آشکار میشود که مصرفگرایی را در ارتباط با ساختار تولید و تجارت مشاهده کنیم. اگر بخشی از تقاضای مصرفی به کالاهای غیرضروری و عمدتاً وارداتی اختصاص یابد، پیامد آن فقط کاهش پسانداز خانوار نیست؛ بلکه میتواند به خروج منابع مالی از چرخه تولید داخلی نیز منجر شود. در این وضعیت، افزایش مصرف لزوماً به افزایش ظرفیت تولید نمیانجامد و حتی ممکن است شکاف میان تقاضای مصرفی و ظرفیت تولید داخلی را تشدید کند. بنابراین، رابطه مشاهدهشده را میتوان از مسیر دوگانه «کاهش انباشت در سطح خانوار» و «کاهش اثر مولد تقاضا در سطح اقتصاد» تفسیر کرد.

الگوی دوم به هزینههای غیرضروری و تجملگرایی در مراسم اجتماعی مربوط میشود. در اینجا سازوکار اثرگذاری با مصرفگرایی عمومی تفاوت دارد؛ زیرا فشار اقتصادی تنها از ترجیح فردی ناشی نمیشود، بلکه هنجارهای جمعی نیز در شکلگیری تصمیم اقتصادی دخالت دارند. رسم و رواجها در جوامع مختلف کارکردهای مهمی مانند ایجاد پیوندهای اجتماعی، بازتولید روابط خویشاوندی و کسب اعتبار اجتماعی دارند؛ ازاینرو، نمیتوان اصل برگزاری این مراسم را عامل ضدتوسعه تلقی کرد. مسأله زمانی شکل میگیرد که حفظ منزلت اجتماعی با سطح هزینههای مراسم پیوند بخورد و افراد، حتی در شرایط محدودیت اقتصادی، خود را ناگزیر از رعایت معیارهای پرهزینه بدانند. در چنین وضعیتی، هزینه اجتماعیِ «کمتر هزینه کردن» ممکن است از منفعت اقتصادی آن بیشتر احساس شود. بنابراین، آنچه از منظر توسعه اقتصادی اهمیت دارد، خود مراسم نیست، بلکه تبدیل شدن هزینههای نمایشی و غیرضروری به یک الزام هنجاری است. این تبیین میتواند رابطه مشاهدهشده میان تجملگرایی و توسعه اقتصادی را بهتر توضیح دهد. هزینهی که صرف یک مراسم پرهزینه میشود، در کوتاهمدت ممکن است برای برخی فعالیتهای خدماتی و تجاری تقاضا ایجاد کند؛ بنابراین، نمیتوان هرگونه هزینه

مراسم را ذاتاً زیان‌بار دانست. بااین‌حال، هنگامی که منابع محدود خانوار برای مخارجی صرف شود که عمدتاً با حفظ منزلت و رقابت اجتماعی ارتباط دارند و ارزش تولیدی پایدار ایجاد نمی‌کنند، هزینه فرصت آن افزایش می‌یابد. گزارش‌های بانک جهانی فشار هزینه‌های بالای مراسم اجتماعی بر خانوارهای افغانستان را تأیید می‌کند؛ هرچند به دلیل تفاوت در روش، شاخص‌ها و سطح تحلیل، این شواهد را نمی‌توان تأیید مستقیم یافته حاضر دانست. ارزش این مقایسه بیشتر در آن است که نشان می‌دهد مسأله هزینه‌های اجتماعی در افغانستان صرفاً یک برداشت ذهنی پاسخ‌دهندگان نیست و می‌تواند پیامدهای اقتصادی ملموس داشته باشد. اتلاف وقت نیز در مدل نهایی باقی مانده است؛ اما سازوکار آن با دو متغیر قبلی متفاوت است. در اینجا، مسأله اصلی نه تخصیص منابع مالی، بلکه تخصیص یکی از کمیاب‌ترین منابع توسعه، یعنی زمان است. در اقتصادهایی که بخش قابل توجهی از فعالیت اقتصادی به کار نیروی انسانی وابسته است، کاهش زمان مؤثر کار، ضعف در انضباط زمانی و استفاده غیرمولد از ساعات روز می‌تواند از طریق کاهش بهره‌وری نیروی کار و افزایش هزینه فرصت بر عملکرد اقتصادی اثر بگذارد. اهمیت ورود این متغیر به مدل نهایی را می‌توان از این جهت دانست که نشان می‌دهد الگوهای رفتاری مؤثر بر توسعه الزاماً به رفتارهای مالی محدود نیستند؛ نحوه استفاده از زمان نیز بخشی از فرهنگ اقتصادی جامعه را تشکیل می‌دهد. در عین حال، باقی ماندن اتلاف وقت در مدل و حذف تنبلی و ضعف فرهنگ کار از مدل نهایی نیازمند تفسیر دقیق است. نتیجه حاصل از رگرسیون به این معنا نیست که تنبلی یا ضعف فرهنگ کار با توسعه اقتصادی بی‌ارتباط‌اند؛ زیرا هر دو متغیر در تحلیل همبستگی رابطه منفی و معنادار داشته‌اند. معنای دقیق‌تر آن این است که پس از کنترل همزمان متغیرهای موجود در مدل، این دو متغیر اطلاعات مستقلی به اندازه کافی برای توضیح تغییرات توسعه اقتصادی ارائه نکرده‌اند. احتمال دارد بخشی از محتوای مفهومی آن‌ها با اتلاف وقت همپوشانی داشته باشد؛ برای مثال، تنبلی یا ضعف فرهنگ کار در عمل می‌تواند خود را در استفاده ناکارآمد از زمان نشان دهد. بنابراین، کاهش نقش آماری آن‌ها در مدل نهایی را باید بیشتر ناشی از همپوشانی مفهومی و آماری متغیرها دانست تا بی‌اهمیتی اجتماعی آن‌ها. این تمایز از نظر تفسیر نتایج اهمیت دارد، زیرا از برداشت ساده‌انگارانه «هر متغیری که در رگرسیون نهایی نمانده، فاقد اهمیت است» جلوگیری می‌کند.

در سطح نظری، یافته‌های تحقیق از رویکردی حمایت می‌کند که توسعه اقتصادی را صرفاً محصول سرمایه، تکنولوژی و سیاست‌های رسمی نمی‌داند، بلکه آن را در بستر مناسبات اجتماعی و فرهنگی نیز بررسی می‌کند. رفتار اقتصادی افراد در خلأ شکل نمی‌گیرد؛ ارزش‌های اجتماعی، انتظارات

اطرافیان، معیارهای منزلت و هنجارهای پذیرفته‌شده می‌توانند بر تصمیم‌های مربوط به مصرف، پس‌انداز، کار و استفاده از زمان اثر بگذارند. از این منظر، فرهنگ نه یک علت مستقل و جدا از ساختار اقتصادی، بلکه سازوکاری است که می‌تواند نحوه واکنش افراد به فرصت‌ها و محدودیت‌های اقتصادی را شکل دهد. چنانچه برخی مباحث اقتصاد اسلامی درباره پرهیز از اسراف، اعتدال در مصرف، ارزش کار و تلاش و مسئولیت‌پذیری اقتصادی نیز برآن تأکید دارد (عثمانی، ۱۳۸۷، ص‌ص ۲۰۷-۲۰۵)؛ بااین‌حال، یافته‌های تجربی حاضر نباید به معنای اثبات یک رابطه مستقیم و یک‌سویه میان ارزش‌های دینی و توسعه اقتصادی تلقی شود، زیرا تحقیق حاضر میزان پایبندی دینی یا سازوکارهای مشخص این رابطه را به‌طور مستقل آزمون نکرده است. یکی از نکات مهم دیگر، مقدار واریانس تبیین‌شده در مدل نهایی است. سه متغیر مصرف‌گرایی، هزینه‌های غیرضروری و تجمل‌گرایی و اتلاف وقت در مجموع ۳۸,۸ درصد از تغییرات توسعه اقتصادی را توضیح داده‌اند. این میزان، از یک سو نشان‌دهنده اهمیت قابل توجه رفتارها و هنجارهای اجتماعی است، اما از سوی دیگر به‌روشنی یادآور می‌شود که این عوامل تنها بخشی ازپروسه‌ی پیچیده توسعه اقتصادی افغانستان را توضیح می‌دهند. بدین لحاظ، شاید مهم‌ترین دلالت یافته‌ها آن باشد که سیاست اقتصادی بدون توجه به زمینه اجتماعی اجرای آن با محدودیت مواجه خواهد شد. اصلاح الگوی مصرف، کاهش هزینه‌های نمایشی، تقویت فرهنگ استفاده مؤثر از زمان و تقویت ارزش کار، صرفاً از طریق توصیه اخلاقی یا سیاست اقتصادی رسمی حاصل نمی‌شود؛ زیرا بخشی از این رفتارها در شبکه روابط اجتماعی و انتظارات جمعی بازتولید می‌شوند. در نتیجه، مداخلات توسعه‌ی زمانی می‌توانند پایدارتر باشند که در کنار سیاست‌های اقتصادی و نهادی، به تغییر تدریجی هنجارهای اجتماعی مرتبط با مصرف، منزلت و کار نیز توجه کنند. این نکته به‌ویژه در جامعه‌ای مانند افغانستان اهمیت دارد که در آن روابط خویشاوندی، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای جمعی همچنان در بسیاری از تصمیم‌های اقتصادی خانوارها نقش تعیین‌کننده دارند.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی با توسعه اقتصادی افغانستان انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که میان عادت‌ها و رواج‌های ناپسند اجتماعی و توسعه اقتصادی رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ به این معنا که افزایش این‌گونه الگوهای رفتاری با کاهش سطح توسعه اقتصادی همراه است. بر این اساس، فرضیه اصلی تحقیق تأیید می‌شود.

در ارتباط با فرضیه‌های فرعی، یافته‌ها نشان داد که تنبلی، اتلاف وقت، مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و ضعف فرهنگ کار هر یک در سطح همبستگی، رابطه منفی و معناداری با توسعه اقتصادی دارند؛ بنابراین، فرضیه‌های مربوط به این متغیرها در سطح روابط دومتغیره تأیید می‌شوند . با این حال، نتایج رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که از میان متغیرهای مورد بررسی، تنها مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و اتلاف وقت در مدل نهایی دارای سهم مستقل و معنادار در تبیین توسعه اقتصادی بودند. در میان آن‌ها، مصرف‌گرایی با -=β۰,۳۰۷ قوی‌ترین سهم منفی را داشت و پس از آن تجمل‌گرایی با -=β۰,۲۵۸ و اتلاف وقت با -=β۰,۲۱۲ قرار گرفتند. این سه متغیر در مجموع ۳۸,۸ درصد از تغییرات توسعه اقتصادی را تبیین کردند.در مقابل، تنبلی و ضعف فرهنگ کار اگرچه در تحلیل همبستگی رابطه منفی و معناداری با توسعه اقتصادی داشتند، در حضور سایر متغیرها وارد مدل نهایی رگرسیون نشدند. ازاین‌رو، نمی‌توان فرضیه‌های مربوط به این دو متغیر را به معنای نبود رابطه رد کرد؛ بلکه یافته‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها در مدل چندمتغیره، پس از کنترل همزمان سایر متغیرهای مورد مطالعه، سهم مستقل و معناداری در تبیین توسعه اقتصادی نداشته‌اند.

نتایج تحقیق بیانگر آن است که برخی الگوهای رفتاری و فرهنگی، به‌خصوص مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و اتلاف وقت، از مهم‌ترین عوامل اجتماعی مرتبط با تضعیف زمینه‌های توسعه اقتصادی در جامعه مورد مطالعه‌اند. بنابراین، توجه به اصلاح الگوهای مصرف، کاهش هزینه‌های غیرضروری و تقویت استفاده مؤثر از زمان، در کنار سیاست‌های اقتصادی، نهادی و ساختاری، می‌تواند در مسیر تقویت زمینه‌های اجتماعی توسعه اقتصادی افغانستان اهمیت داشته باشد. با وجود این، با توجه به ماهیت پیمایشی و غیرآزمایشی تحقیق، یافته‌ها رابطه آماری و قدرت تبیینی متغیرها را نشان می‌دهند و نباید به‌عنوان اثبات رابطه علّی قطعی تفسیر شوند. همچنین، باقی‌ماندن ٦١,٢ درصد از واریانس توسعه اقتصادی خارج از مدل نشان می‌دهد که عوامل دیگری نیز در تبیین توسعه اقتصادی افغانستان دخیل‌اند و بررسی همزمان عوامل اقتصادی، سیاسی، نهادی، انسانی و فرهنگی در تحقیقات آینده ضروری است.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادات در راستای بهبود فرهنگ اقتصادی و اصلاح الگوهای مصرف در جامعه، مجموعه‌ای از راهکارهای هماهنگ در سه سطح کلان (سیاستی)، نهادی (میان‌سطح) و خرد (فردی-اجتماعی) قابل طرح است:

۱. سطح کلان (سیاستگذاری ملی): امارت اسلامی و نهادهای سیاستگذار نقش اساسی در جهتدهی ساختارهای اقتصادی و فرهنگی جامعه دارند. اِعمال سیاستهای کنترولی برای کاهش مصرفگرایی و تجملگرایی، بهویژه در مصارف مرتبط با مراسم عروسیها و عزاداریها، میتواند به تعدیل الگوهای مصرف کمک کند. همزمان، ایجاد مشوقهای مالی و نهادی بهمنظور تقویت پسانداز و انباشت سرمایه، بستر لازم برای توسعه اقتصادی را فراهم میسازد. از سوی دیگر، حمایت هدفمند از تولیدات داخلی و کاهش وابستگی به کالاهای مصرفی وارداتی، ضمن تقویت اقتصاد ملی، به شکلگیری الگوی مصرف مسئولانه کمک میکند. در نهایت، ادغام مؤلفههای فرهنگ اقتصادی همچون کار، صرفهجویی و پرهیز از اسراف در برنامههای ملی توسعه، میتواند به نهادینهسازی این ارزشها در سطح جامعه منجر شود.

۲. سطح نهادی (میانسطح): در این سطح، نهادهای دینی، تعلیمی و رسانهای نقش میانجی در اصلاح عادتها و رواجهای ناپسند دارند. گنجاندن آموزش سواد اقتصادی، فرهنگ کار و مدیریت زمان در نظام آموزشی، به ارتقای آگاهی و مهارتهای اقتصادی نسل جدید کمک میکند. همچنین، تقویت نقش رسانهها در آگاهیدهی و اصلاح الگوهای مصرف و ترویج سادهزیستی، میتواند نگرشهای عمومی را بهصورت تدریجی تغییر دهد. استفاده از ظرفیت علماء و نهادهای دینی مانند مساجد برای کاهش رسوم پرهزینه و ناپسند اجتماعی و اصلاح رفتارهای اقتصادی، بسیار مؤثر است.

۳. سطح خرد (فردی و اجتماعی): در سطح فردی، تغییر رفتارهای فردی و هنجارهای اجتماعی اهمیت اساسی دارد. ترویج الگوهای ساده و کمهزینه در مطابقت با احکام دین اسلام در برگزاری مراسم اجتماعی مانند عروسیها، عزاداریها و بازگشت از حج و عمره میتواند فشارهای اقتصادی بر خانوادهها را کاهش دهد. همچنین، تقویت فرهنگ مدیریت زمان و افزایش بهرهوری فردی، به استفاده بهینه از منابع و فرصتها منجر میشود. تشویق به مصرف مسئولانه و حمایت از تولید داخلی، نقش مهمی در پایداری اقتصادی دارد. نهادینهسازی فرهنگ صرفهجویی و پسانداز در سطح خانواده و جامعه، به تقویت امنیت اقتصادی و کاهش آسیبپذیریهای مالی کمک میکند.

٤. نهایتاً اینکه، پیشرفت و توسعه اقتصادی افغانستان بدون اصلاح عادتها و رواجهای ناپسند اجتماعی و فرهنگی مشکل خواهد بود. بنابراین، هرگونه طرح و پلان برای توسعه

اقتصادی باید علاوه بر اصلاحات ساختاری، بر تغییر عادت‌ها و الگوهای رفتاری ناپسند نیز تمرکز کند. این تغییر، یک پروسه تدریجی اما بنیادی است که می‌تواند بستر فرهنگی و اجتماعی توسعه اقتصادی پایدار افغانستان را فراهم سازد.

سهم نویسندگان در تحقیق(مقاله)

سهم نویسنده اول: کار روی بخش مقدمه، مبانی نظری، چارچوب و پیشینه تحقیق، تهیه پرسشنامه، وارد ساختن آن در گوگل فرم، شریک‌ساختن آن با استادان پوهنتون‌های امارتی و بازنگری نهایی.

سهم نویسنده دوم: کار روی بخش روش مقاله، تهیه پرسشنامه، پایایی و روایی پرسشنامه، تحلیل و تجزیه اطلاعات.

تضاد منافع

تصدیق می‌گردد هیچ گونه تضاد منافع میان نویسندگان مقاله در این تحقیق وجود ندارد.

منابع

قرآن‌کریم.

احمدی، و.، کریمی، ج. (۱۴۰۱). تحقیق کیفی در موانع توسعه‌نیافتگی اقتصادی استان کرمانشاه. *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ۵(۲)، ۷۲۹–۷۵۸. https://doi.org/10.22126/ipes.2022.5562.1295 .

افغانی، س. ج. (۱۳۵۵). *عروةالوثقی* . (ع. سمندر، مترجم). کابل: انتشارات بیهقی.

امیرالمؤمنین حفظه‌الله‌تعالی‌ورعاه. (۱۴۴۶ق). *فرمان شماره ۱۷ مورخ ۱۴۴۶/۹/۱۶ هـ ق*.

امینی، س. (۱۳۵۵). مفهوم توسعه اقتصادی. *مجله مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)*، ۴(۶)، ۱۲۹–۱۵۰. https://doi.org/10.22059/jsr.1976.93761 .

البخاری، ا. م. ب. ا. (۱۴۲۳ق). *صحیح البخاری*. دمشق: دار ابن‌کثیر.

جهرمی موسوی، ی .(۱۳۸۸). *توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی*. تهران: پوهنتون پیام نور.

رسول، ا. ر. (۱٤۰۵). *جامعه‌شناسی توسعه*. کابل: مطبعه پوهنتون کابل.

کاشانی، م. (۱۳۷٦). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: پوهنتون پیام نور.

کمالی، ح. (۱۳۸۳). *جامعه، کار و توسعه*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

لشکری، م. (۱۳۹۰). نقش دولت اسلامی در توسعه اقتصادی. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۳(۲)، ۱۲۵–۱۴۰. [۱] (https://sid.ir/paper/۲۲۰۷٦۲fa/)

لهسایی‌زاده، ع. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: دانشگاه پیام نور.

مایر، ج. ا.، و سیرز، د .(۱۳۸۲). *پیشگامان توسعه* (س. ع. ا. هدایتی و ع. یاسری، مترجمان). تهران: سمت.

متوسلی، م .(۱۳۸۲). *توسعه اقتصادی*. تهران: سمت.

مشتاق، س. ع. (۱۳۹۲). *توسعه و نیم‌نگاهی به جامعه افغانستان*. کابل: نشر واژه.

النیسابوری، ا. م. ب. ا. (۱۴۲٦ق). *صحیح مسلم*. الریاض: دار طیبه للنشر والتوزیع.

نیازی، م.، مرتضوی، آ. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل اندیشه و نظریه‌های اروینگ گافمن. *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی* https://sid.ir/paper/836179/fa .

شریفی‌نژاد، م.، میرفردی، ا. (۱۳۹۸). رابطه بین مصرف‌گرایی و سرمایه فرهنگی با تأکید بر ارزش‌های دینی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۹(۷۵)، ۳۱–۵۰. https://sid.ir/paper/382157/fa .

عثمانی، م. ت. (۱۳۹۴). *اقتصاد اسلامی* (ر. روانبد، مترجم). تهران: نشر احسان.

عثمانی، م. ش. (۱۳۸۷). *تفسیر معارف القرآن* جلد ۸؛ (م. ی. حسین‌پور، مترجم). انتشارات شیخ‌الاسلام احمد جام.

هایامی، ی. (۱۳۸٦). *اقتصاد توسعه: از فقر تا ثروت ملل* (غ. آزاد ارمکی، مترجم). تهران: نشر نی.

Omarzai, F. M., Nasrat, N. A., & Haidari, E. (2025). The role of domestic economy in the cultural development of Afghanistan: A study of Farah Province. ***Al-Taqwa Journal of Social Science***, 2(1), 305–338. https://doi.org/10.63476/atjss.v2i1

Sediqi, F. A. (2025). Government expenditure and growth nexus: A case study of Afghanistan. Journal of Social Sciences & Humanities, 2(1). Link

World Bank. (2020). Afghanistan development update. World Bank. Link